مُهر خاتم نائب امام زمان(عج) در موزه آستان قدس

مهر خاتم منسوب به اولین نائب خاص امام عصر(عج) که توسط سیدحسن نصرا... به رهبر معظم انقلاب اهدا شده در موزه آستان قدس رضوی در معرض نمایش عموم قرار گرفته و با رفتن به صحن کوثر و موزه هدایای رهبر معظم انقلاب می‌توانید آن را تماشا کنید. در واقع این مهر منسوب به عثمان بن سعید، نخستین نائب خاص امام زمان(عج) است که سیدحسن نصرا...، دبیرکل حزب‌ا... لبنان سال ۱۳۹۳ آن را به آیت‌ا... خامنه‌ای اهدا کرده است. این مُهر در ابعاد ۲ در ۲ سانتی‌متر و از جنس عقیق یمنی سبز است و در کنار نامه سیدحسن نصرا... به رهبر انقلاب به نمایش درآمده. دبیرکل حزب‌ا... لبنان در این نامه به زبان عربی توضیحات کاملی درباره این مُهر ارائه داده و بیان کرده که طبق آزمایش‌هایی که در لندن انجام شده، قدمت این مُهر به سال‌های ۲۵۰ تا ۳۰۰ هجری قمری می‌رسد. در بخشی از این نامه آمده: این انگشتر دارای نگینی است که یک عقیق یمنی سبز است و روی آن این جمله بدون نقطه تراشیده شده است: «عدتی یوم الوعید» (یالیوم الوعید)/ جام جم دیلی

گردشگری

هر روستا یک بسته گردشگری

شعار امسال سازمان جهانی گردشگری، گردشگری و توسعه روستایی است؛ موضوعی که باعث شده معاونت گردشگری ما هم روی این موضوع تمرکز کند. ولی تیموری، معاون گردشگری می‌گوید تمرکز و تلاش ما روی توسعه گردشگری روستاها در سال آینده بیشتر خواهد بود و به این منظور کارگروه گردشگری روستایی از همین حالا با هدف آماده‌کردن نقشه راه، ذیل معاونت گردشگری شکل گرفته‌است.

در نظرگرفتن توسعه پایدار و مسؤولانه ضمن مشارکت فعال با جامعه محلی، مسیری است که معاونت گردشگری برای خود تعریف کرده و تیموری می‌گوید: روستاها به‌عنوان گنجینه‌هایی از آداب، رسوم و خرده‌فرهنگ‌های ملی و بومی اقوام مختلف ایرانی به‌شمار می‌آیند و هر کدام حداقل یک ویژگی برجسته دارند تا بتوانند به‌عنوان جاذبه گردشگری مطرح و در بسته‌های سفر جای بگیرند. درواقع روستاییان ما قرار نیست شغل و کار اصلی خود را کنار بگذارند و تنها به موضوع گردشگری بپردازند. آنها امور روستایی را ادامه می‌دهند و وقتی متوجه می‌شوند کار آنها، نحوه و زندگی معیشت‌شان برای دیگران مهم و مورد توجه است، چه بسا با احساس غرور و افتخار بیشتر در روستایشان حضور پیدا خواهند کرد. بنابراین آنچه ما به‌دنبال آن هستیم این نیست که فرآیند کلی زندگی روستاییان متوقف شود، بلکه هدف این است که گردشگری و صنایع‌دستی کمک کند تا درآمدهای روستاییان متنوع شده و افزایش یابد. معاون گردشگری کشور معتقد است تحقق رویکرد مذکور می‌تواند روند خالی شدن روستاها از سکنه را کند کرده و ضمن حفظ فرهنگ و آداب و رسوم به‌واسطه اشتغال‌زایی، مهاجرت معکوس را ایجاد کند./ جام جم دیلی

در فصل برداشت جمعیت روستا حتی به دو برابر هم می‌رسد و بین دو تا سه هزار نفر در این ایام به وامنان می‌آیند

عکس: مهر

اهالی روستای وامنان استان گلستان با تغییر الگوی کشت و ترویج فرهنگ اقتصاد مقاومتی، رونق را به روستایشان بازگردانده‌اند

خاکی که طلا شد

صفای آبادی

هر هفته با یک آبادی دوباره آباد شده

اهالی وامنان زعفران وحشی را به زعفران خوراکی تبدیل کردند، حالا این روستا به دلیل کشت زعفران، قطب طلای سرخ در گلستان لقب گرفته و اقتصاد خانوارها متحول شده‌است

مینا مولایی

ایران

درست همین روزها، همین میانه‌های پاییز در استان گلستان، شهرستان آزادشهر، دهستان چشمه‌ساران و روستای وامنان، خیلی‌ها مشغول کارند؛ خیلی‌ها سرِ زمین‌هایشان از طلوع آفتاب تا تاریکی هوا، گل زعفران می‌چینند؛ گل‌های بنفش‌رنگی که نقشی از نشاط و امید به زندگی همه اهالی روستا پاشیده‌اند؛ آن‌قدر که هیچ خانواده‌ای نیست که در این روستا زعفران نکاشته باشد و حالا بیش از ۴۰۰ هکتار از زمین‌های وامنان زیر کشت زعفران است؛ طلای سرخی که با خودش برکت به زندگی این مردمان پرتلاش آورده‌است.

گزارش امروز ما، حکایت تلاش مردمانی است که با تغییر الگوی کشت، زمین‌هایشان، همان زمین‌هایی که قبلا میزبان عدس و لوبیا و سیب‌زمینی بود و سال تا سال محصول سوددهی به آنها نمی‌داد، حالا هم روستایشان را به قطب تولید زعفران در استان گلستان تبدیل کرده و هم زعفران‌شان را به یک برند قابل عرضه و پرطرفدار در بازارهای داخلی و بین‌المللی.

یک ایده نجات‌بخش

او اولین نفر است؛ روحانی روستای وامنان که برای اولین‌بار با یک ایده نو، در بخشی از زمین‌های وامنان پیاز زعفران کاشت؛ ماجرایی که سررشته‌اش به سال‌ها پیش برمی‌گردد. محمد احمدی را همه در وامنان حاج‌آقا احمدی صدا می‌زنند؛ ما هم.

او همان روحانی‌ای است که در آخرین نقطه استان گلستان در مسیر شاهرود و استان سمنان، موجی از امیدواری به وجود آورده‌است. اهالی روستا می‌گویند او بعد از این‌که گل‌های زعفران وحشی را در اطراف روستایش دید، به فکر کشت زعفران در زمین‌های روستا افتاد؛ بذر زعفران را از جنوب خراسان خریداری کرد و همین موضوع سررشته اتفاق‌های خوب دیگر در وامنان شد. بهانه‌ای که باعث می‌شود پای صحبت‌هایش بنشینیم و او به ما بگوید: «در روستای ما خیلی‌ها کشاورزند، من هم تا یادم می‌آید پدر و مادر و خانواده‌ام سر زمین مشغول کشاورزی بوده‌اند. اما به دلیل این‌که اینجا خیلی‌ها خرده‌مالک بودند و درآمد چندانی از زمین‌هایشان نداشتند و محصولاتی که می‌کاشتند هم پرسود نبود، کم‌کم اهالی به فکر کوچ افتاده‌بودند. حتی یادم هست که جوان‌های روستا خیلی‌ها برای کار به شهرهای اطراف می‌رفتند. فکر کنم سال ۷۲ یا ۷۳ بود که من به فکر کشت جایگزین افتادم.»

چرا زعفران؟ این سوالی است که ما می‌پرسیم و حاج‌آقا احمدی در جواب می‌گوید: «طبیعت منطقه ما خودش از مدت‌ها قبل راه را به ما نشان داده‌بود ولی ما ندیده‌بودیم. اینجا در جنگل‌های اطراف روستا در ارتفاعات و ... زعفران وحشی از قدیم رویش داشته، ما شاید این زعفران‌های وحشی را دیده اما توجه نکرده‌بودیم. این بار من این احتمال را دادم که زعفران بتواند کشت خوب و مناسبی در زمین‌های روستای ما باشد.»

او اما برای اجرایی کردن این ایده راه طولانی‌ای را طی کرد: «اول ۳۰ کیلو پیاز زعفران را در یک فضای کوچک کاشتم و بعد از چهار سال وقتی دیدم که نتیجه داد ایده کاشت آن را در بقیه زمین‌های روستا هم مطرح کردم. برای این کار ما به یک بازه زمانی چهارساله احتیاج داشتیم چون باید محصول را کمیت‌سنجی هم می‌کردیم وگرنه کیفیتش که از همان برداشت اول قابل تشخیص بود اما باید می‌دیدیم که مثلا در هر هزار متر، چقدر زعفران برداشت می‌کنیم، آیا سود دارد؟ آیا به زحمتش می‌ارزد؟ که خوشبختانه در منطقه ما این عدد بین ۱۸ تا ۲۲ کیلو در مقیاس هکتار بود.»

تغییرِ سخت، اما دلنشین

این اما تازه آغاز ماجرا بود، حاج‌آقا احمدی از زمین خودش شروع کرد و کم‌کم اهالی فامیل و قوم و خویشان ترغیب شدند و زنجیروار بقیه اهالی روستا هم به کشت زعفران روی آوردند؛ فرآیندی که البته خیلی هم سهل و آسان نبود و حاج‌آقا احمدی می‌گوید: «اوایل تعداد کمی به ما پیوستند بعد کم‌کم آمار بالاتر رفت؛ البته مردم حق داشتند، قاعدتا وقتی می‌خواهد یک کار نو در یک جایی راه بیفتد این اتفاق‌ها قابل پیش‌بینی است. چون هم آگاهی و علمش بین مردم وجود ندارد و هم این باور وجود ندارد که می‌توانند موفق شوند، در نتیجه همیشه مخالفت‌ها و مقاومت‌هایی دیده می‌شود. در این کار هم از همان اول خیلی‌ها با ما همراه نبودند، اما هرچه کار ما جلوتر رفت، هرچه که دستاوردهایش دیده‌شد، تعداد بیشتری به ما پیوستند و در زمین‌هایشان زعفران کشت کردند.»

او از آن روزهای دور که حالا خاطره شده‌اند، حرف برای گفتن زیاد دارد: «خیلی‌ها در برابر کاشت زعفران مقاومت می‌کردند. من می‌گفتم ایرادی ندارد، شما اول یک قطعه کوچک از زمینت را بکار، اگر فایده دیدی، زمین را اضافه کن. بعد پیش خودت ببین مثلا اگر سیب‌زمینی بکاری چقدر سود می‌بری، اگر زعفران بکاری چقدر؟ چون تا مردم به چشم خودشان نتیجه کار را نمی‌دیدند نمی‌توانستند ریسک کنند. آنها به کشت گندم، جو، عدس و این محصولات عادت داشتند و تغییر الگوی کشت واقعا کار آسانی نبود اما نیاز روستای ما بود که خدا را شکر بالاخره انجام شد.»

مهاجرتی که معکوس شد

نتیجه همه این تلاش‌ها حالا همین است؛ این‌که بیش از ۴۰۰ هکتار از زمین‌های روستای وامنان دل به دل گُل‌های بنفش‌رنگی داده‌اند که حکم طلا را برایشان دارد؛ گل‌های بنفش‌رنگی که روزگار وامنان و وامنانی‌ها را عوض کرده‌است: «بعد از این‌که کشت زعفران در روستای ما همه‌گیر شد، نه‌تنها دیگر کوچ نداشتیم که مهاجرت معکوس داشتیم، یعنی خیلی‌ها که رفته‌بودند دوباره برگشتند، زمین‌هایی که خالی مانده‌بود و سال‌به‌سال رنگ محصول به خودش نمی‌دید، دوباره زیر کشت رفت و الان در همین ایام که فصل برداشت گل زعفران است، روزانه بیش از ۲۰ هزار نفر جمعیت در روستای وامنان مشغول به کارند. این عدد واقعا قابل توجه است، چون علاوه بر اهالی روستا خیلی‌ها از جاهای دیگر هم می‌آیند و گل زعفران را به خانه‌هایشان می‌برند و آنجا فرآیند جداسازی را انجام می‌دهند و حقیقتا برای خیلی‌ها اینجا اشتغال‌آفرینی شده‌است.»

وامنان بعدازاین موفقیت به الگوی روستاهای دیگر در استان گلستان هم تبدیل شده و نتیجه، اختصاص بیش از هزار هکتار از زمین‌های کشاورزی در استان گلستان به کشت زعفران است.

رفته‌ها برگشتند

محمود خان احمدی، دهیار روستای وامنان از نزدیک شاهد همه این تلاش‌ها در روستایش بوده و هم روزهای سخت وامنان را به چشم دیده؛ هم روزهای خوبش را هم روزهایی که اهالی دلسرد از شرایط اقتصادی، قید کشاورزی را می‌زدند و یکی‌یکی زمین‌هایشان را رها می‌کردند و به شهر می‌رفتند و هم روزهایی که آنها یکی‌یکی برگشته‌اند؛ حکایت روزهای برگشت اما برای او بارنگی از امیدواری آمیخته‌است.

او که از هشت سال پیش دهیار روستای وامنان شده به ما می‌گوید که وامنان طبق سرشماری سال ۹۵، ۱۳۸۶ نفر جمعیت دارد و ۴۸۶ خانوار. اما این جمعیت به گفته او در فصل برداشت زعفران حتی به دو برابر هم می‌رسد: «بین ۲۰۰۰ تا ۳۰۰۰ نفر در این ایام به روستای ما می‌آیند. قبلا چون مردم ما درآمدی نداشتند، به ماندن در روستا فکر نمی‌کردند، همه جوان‌ها رفته‌بودند گرگان، گنبد، آزادشهر، حتی تهران. اما از وقتی‌که کشت زعفران رایج شد و سوددهی‌اش را دیدند، خیلی از رفته‌ها برگشتند، هرکس هر مقداری که زمین داشت، شروع به کاشت کرد. چه ۲۰۰۰ متر چه ۱۰۰۰ متر. هرکس هرکاری که داشت و نداشت، باز زعفران کاشت، چه فرهنگی، چه کارمند، چه راننده. همه مشغول این کار شدند و واقعا نتیجه‌اش را هم دیدند و الان از کل خانوارهای روستای ما، کسی نیست که زعفران نکاشته‌باشد.

فرهنگ جاری

فرهنگ کشت زعفران به روستاهای دیگر هم سرایت کرده و الان خیلی جاها در همین اطراف زعفران می‌کارند.

دهیار وامنان به یک ویژگی خاص کاشت زعفران هم در وامنان اشاره می‌کند؛ همان که کاشت زعفران را در این منطقه پربازده کرده: «در مشهد میزان آب‌دهی زعفران پنج تا شش نوبت است، ولی در روستای ما یک نوبت آب‌دهی کافی است. میانگین تولید زعفران در هر هکتار، بین ۱۸ تا ۲۲ کیلوگرم است که رقم قابل توجهی است. البته مردم روستای ما در سال‌های اخیر به‌جز زعفران به کاشت گیاهان دارویی و گل محمدی هم پرداخته‌اند که خود این موضوع هم باعث سودآوری به روستا شده‌است.»

دست‌کوتاه واسطه

وامنانی‌ها از وقتی زعفران کار شدند، از وقتی زعفران‌هایشان گل داد و گل‌هایشان به محصول نشست به فکر فروش هم افتادند. اوایل مثل هرجای دیگری واسطه‌ها و دلال‌ها تا دم زمین می‌آمدند و زعفران را به ارزان‌ترین قیمت ممکن از آنها می‌خریدند یا اهالی خودشان زعفران‌شان را به مشهد می‌بردند و مستقیم در بازار رضا می‌فروختند. اما نتیجه هیچ‌کدام از اینها رضایت‌بخش نبود یا محصول شان به قیمت ارزان خریداری می‌شد یا چک هایشان نقد نمی‌شد. بعدتر اما اهالی به فکر حذف واسطه‌ها افتادند و جرقه‌های تشکیل یک تعاونی روستایی همین‌جا شکل گرفت و درنهایت سال ۹۲ تعاونی زعفران کاران وامنان تشکیل شد. اهالی نفری ۵۰ هزارتومان پول روی هم گذاشتند و بیش از ۶۰۰ نفر از سرپرستان خانوار در وامنان عضو این شرکت تعاونی شدند. تعاونی حالا چرخ‌های اقتصاد را در این روستا سریع‌تر از قبل به گردش درآورده؛ حالا همه زعفران‌کاران در فروش محصولات و سودشان شریکند و دست واسطه‌ها و دلال‌ها حداقل در این روستا از سر زعفران کوتاه شده‌است.

طراح: بیژن گورانی

جدول شماره ۵۷۸۰

جدول عادی

افقی: ۱) متر انگشتی- کارگر کشتی- گلبول‌های خون در آن شناورند ۲) روی دوش اندازند- مدرسه سنتی کودکان قدیم- ترمز چارپا ۳) قوس‌های هلالی پیوسته- نیکورو- مخفف اینک ۴) از غذاهای سریع و ساده بین‌المللی- صفت بهشت- رَب ۵) سگ شکاری- زبان مردم پاکستان- دریغ ۶) حضور داشتن- داستان بلند- صندلی تشریفاتی ۷) گاو یالدار تبت- تألیف‌کننده- داروی ضدعفونی‌کننده زخم ۸) تکرار حرفی- ورقه فراخوانی به دادگاه- دویدن ۹) باعث شگفتی دیگران- داناتر- مرزبان ۱۰) نخ تابیده- پیشوای دینی مسیحیان- واژه ۱۱) پاک- نگین انگشتر- از ظروف آشپزخانه ۱۲) تردید- سبزی معطر- پزشک مصر باستان ۱۳) کاشف میکروب سل- زادگاه خواجه عبدا... انصاری- نوشتن کتاب با استفاده از منابع مختلف ۱۴) درخت انگور- نام فارسی اسید سیتریک- یک نفر ۱۵) جویدن دوباره غذا در معده که خاص برخی حیوانات است- مسافت طی شده در واحد زمان- رنگ.

عمودی: ۱) قول و قرار- سفید- از طوایف ایرانی ۲) چاه عمیق- فروتن- ترش و شیرین ۳) از وسایل بازی بچه‌ها- واحدی برای اندازه‌گیری مساحت زمین ۴) خوراک قنادی- گوشواره- بدگویی در شعر ۵) همه- زندان- واهمه ۶) بزرگ‌تر- نوحه‌سرایی- همشیره ۷) در خواب بیند پنبه‌دانه- دیکته- باجه فرودگاه برای انجام تشریفات ۸) شبکه گسترده جهانی- پرچمی که بالا برده شده باشد- مفلوج ۹) جویدن و بلعیدن- بهشت- گرم‌ترین سیاره ۱۰) نورگیر آپارتمان- متکا- شنونده ۱۱) بنیانگذار حزب کمونیست- تمام‌کننده- طبقه همکف برخی ساختمان‌ها ۱۲) مهم‌تر- فاسد- معدنی ۱۳) جادودان- رنگیزه‌های سبز برگ گیاهان ۱۴) متخصص در کارهای ساختمانی- غذایی از بادمجان- کجاست ۱۵) کمد- دید و نظر- اشاره به نزدیک.

جدول ویژه

افقی: ۱) قدم- لبخند ملیح- پایتخت کلمبیا ۲) پاره‌آجر- داستانی به قلم محمود دولت‌آبادی- خاشاک ۳) عابد نصرانی که از نبوت حضرت محمد(ص) در کودکی خبر داد- کانال تلویزیونی- سیلی ۴) نویسنده اتریشی رمان شطرنج‌باز- همیشه- مسمار ۵) همراه وعده- قابل مشاهده- انگشت چهارم دست ۶) انبوه- مادربزرگ- چابک ۷) زمان معین- شهر کاخ کرملین- کوشش ۸) شهر مدفن ستارخان- در عهد خلفای عباسی متصدی رسیدگی و پرداخت مخارج روزانه دربار بود- N- ۹) آموزشگاه هنری- عقیق سلیمانی- آرایش ۱۰) رود آراز- شروع- صدای اسب ۱۱) خشنود کردن- قوم مغول- برمرکب نشسته ۱۲) بسیار زیاد- نوعی طلاق- بازبان سبز و با دست دراز؛ از ضمیر خاک می‌گویند راز ۱۳) از حروف الفبا- ماکارونی رشته‌ای- پخش کردن ۱۴) خاندان- نوعی روغن معطر برای براق کردن مو- مرد ساده‌لوح عرب که حکایت‌های بسیاری به او منسوب است ۱۵) جانشین کیخسرو- اصطکاک- دوستدار.

عمودی: ۱) انقطاع- پاره آتش- باطل کردن ۲) سفید آذری- صدا خفه‌کن- مقاله مفصل ۳) روزنامه‌ها و مجلات- خشنود ۴) سرگردان- پایتخت غنا- خبر ۵) درست دانستن سخن یا عملی- شش‌ضلعی- بها بازار ۶) تخم کتان- مسدود- ادب آموختن ۷) بخشندگی- طلق نسوز- رهبر قوم هون ۸) تکرار یک حرف- کاملا خراب و ویران- رطوبت ۹) از حواس پنج‌گانه- گاوآهن- از حروف یونانی ۱۰) بندری در هند- جای بلند- نبرد رو در رو برای اعاده حیثیت ۱۱) وسیله‌ای برای برقراری ارتباط تصویری اینترنتی- کوشا- شماتت ۱۲) اساس کار قالی بافی- در بیان علت به کار می‌رود- مزاج ۱۳) خانه- گوشه‌ای در دستگاه راست پنجگاه ۱۴) خلاصه کردن- رمز عملیات کربلای پنج- تکرار حرفی ۱۵) محل مناسب برای شناکردن- شلوارک ورزش باستانی- حد معین از چیزی.

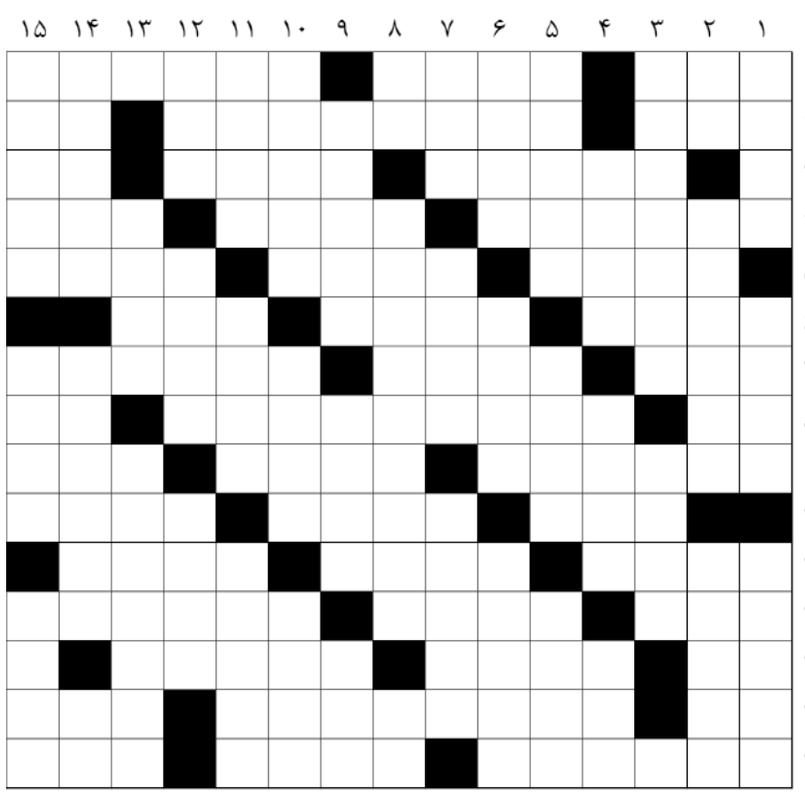

حل جدول عادی شماره ۵۷۷۹

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ب	ا	د	ا	م	■	س	ر	م	ه	■	م	خ	چ	ه
۲	ا	ن	گ	ی	خ	ت	ن	■	چ	ش	م	ن	و	ا	ز
۳	خ	ض	ر	■	ز	ن	د	ه	ی	ا	د	■	د	ه	ا
۴	ت	ب	■	ت	ن	د	ر	و	■	م	و	چ	ب	■	و
۵	■	ا	م	ی	■	ن	و	ش	ن	■	ر	ا	ی	ح	ه
۶	م	ط	ل	و	ب	■	م	ن	ا	م	ن	ش	■	■	■
۷	ف	■	خ	ب	ا	ز	■	ک	س	ت	ه	■	ر	خ	■
۸	س	ن	ی	■	ر	س	ت	ا	خ	ی	ز	■	ل	ه	ب
۹	د	م	■	ا	ش	ک	و	ب	■	ع	ا	ر	ی	■	ر
۱۰	و	ر	ق	■	ا	س	ت	پ	■	ر	و	ز	ب	ه	■
۱۱	ا	ر	ا	د	ه	■	ل	ه	ی	ب	■	ز	ر	ی	■
۱۲	د	■	ه	م	ی	ن	■	ا	ش	ر	ب	ه	■	ک	م
۱۳	ر	ن	د	■	ب	ا	ز	ج	و	ی	ی	■	ف	ر	ح
۱۴	خ	و	ا	س	ت	ن	ی	■	ا	س	ت	ب	د	ا	د
۱۵	ش	غ	ر	ا	ت	■	ز	ا	■	ا	ج	ا	ن	ا	ب

حل جدول ویژه شماره ۵۷۷۹

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ه	م	د	س	ت	■	ا	ج	ر	ت	■	ا	پ	ک	ی
۲	س	و	پ	ر	ا	ن	و	■	ا	س	ک	ا	ر	ل	ت
۳	ت	ا	و	■	پ	ا	ر	ا	ش	و	ت	■	ت	ت	ا
۴	ک	ز	■	ت	و	س	ی	ف	■	گ	ا	م	ا	■	ق
۵	ن	ب	ا	■	ر	و	س	ی	■	ب	ر	ب	ر	ی	■
۶	ب	ه	ا	ن	ه	■	ن	ا	ر	ه	■	م	ل	ح	■
۷	ر	■	ق	ی	م	ت	■	ن	س	ب	ی	ت	■	ل	م
۸	ر	ک	ی	■	ا	ل	ه	ا	ن	■	ز	■	ط	ی	ن
۹	و	ل	■	ت	ی	ف	و	س	■	ک	ی	ا	■	■	ذ
۱۰	■	ف	ی	س	■	ن	ا	ی	م	■	د	ر	ا	و	ر
۱۱	ا	ت	ا	ل	ا	■	ر	ز	ا	ز	■	ث	ق	ل	■
۱۲	ر	■	ق	ا	ر	ی	■	ی	م	ا	ن	ی	■	ی	ا
۱۳	م	ن	و	■	ش	ک	و	ف	ا	ی	ی	■	ت	ا	ب
۱۴	ا	ع	ت	د	ا	ل	ی	■	ن	ا	م	ن	ا	م	ه
۱۵	ن	م	ی	ن	■	ا	س	ن	ی	■	ا	س	پ	ر	ت